

معاملات با اشخاص وابسته و ارتباط آن با رفتار کارا یا فرصت طلبانه مدیریت سود

مصطفی قناد¹

کارشناس ارشد حسابداری، دانشکده علوم اداری و
اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

محمد رضا عباس زاده²

دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و
اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

بهزاد کاردان³

استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و
اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: 1396/2/18 تاریخ پذیرش: 1397/3/1

چکیده

معاملات با اشخاص وابسته پدیده‌ای است که افزون بر اینکه رسوایی‌های اخیر مالی را بدان نسبت می‌دهند؛ می‌تواند موجب از دست رفتن ثروت سهامداران شود و مدیران به جهت سرپوش گذاشتن بر روی این انتقال ثروت، به مدیریت سود اقدام کنند. بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه معامله با اشخاص وابسته و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای نیل به این هدف، افزون بر بررسی ارتباط مدیریت سود و معامله با اشخاص وابسته در کل شرکت‌ها، این رابطه برای گروه شرکت‌های دارای رفتار مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه نیز آزمون شده است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از اطلاعات مالی 164 شرکت در بازه زمانی 1386 تا 1394 استفاده شده و تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از الگوی رگرسیون چندمتغیره و داده‌های ترکیبی صورت پذیرفته است.

1- Ghannad@mail.um.ac.ir

2- Abbas33@um.ac.ir

3- Kardan@um.ac.ir

DOI: 10.22067/pm.v%vi%i.64300

براین، رابطه منفی و معناداری میان معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود فرصت طلبانه یافت شد که نشان از کارا بودن معاملات با اشخاص وابسته دارد. همچنین یافته‌ها، وجود رابطه مثبت و معنادار بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود کارا را تأیید نمود که مؤید کارایی معاملات با اشخاص وابسته در بورس اوراق بهادار تهران است.

کلید واژه‌ها: معامله با اشخاص وابسته، رفتار مدیریت سود، مدیریت سود کارا، مدیریت سود فرصت طلبانه، ارقام تعهدی اختیاری.

طبقه‌بندی JEL: M49, M41, M40, G10.

مقدمه

بیشتر شرکت‌ها در سراسر دنیا دارای مالکیت متمرکز هستند یا اینکه توسط یک مؤسسه مالی، دولت یا یک خانواده اداره می‌شوند (La Porta et al., 1988). معمولاً آن دسته از سهامداران عمده، خانواده، مؤسسه یا دولت که دارای نقش مدیریتی هستند، افراد داخلی^۱ نامیده می‌شوند و سایر سهامداران اغلب با نام سهامداران خارجی^۲ یا سهامداران اقلیت^۳ خوانده می‌شوند. این افراد داخلی معمولاً از سهم مالکیت متمرکز خود استفاده کرده و دارای حقوقی هستند که در واقع فراتر از منافع حاصله از پولی است که آن‌ها پرداخته‌اند؛ این امر موجب می‌شود که افراد داخلی فرصت‌های بیشتری داشته باشند تا سهامداران خارجی را از فرآیندهای اجرایی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی شرکت خارج کرده و خود از حق آن‌ها بهره‌مند گردند (Gopalan & Jayaraman, 2012). معاملات با اشخاص وابسته یکی از روش‌های بالقوه‌ای است که افراد داخلی می‌توانند از آن طریق، سهامداران خارجی را از فرآیندهای شرکت بیرون کنند (Ryngaert & Thomas, 2012). تفکیک مالکیت از مدیریت همچنین به‌عنوان ریشه وجودی مدیریت سود مطرح است. این تفکیک احتمال رفتارهای فرصت طلبانه مدیران را افزایش می‌دهد و مدیریت سود نمونه‌ای از این رفتارها می‌باشد. مدیریت سود، فرآیند انجام اقدامات عمومی در محدوده اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری است که سبب رسیدن به سطح سود مورد نظر می‌شود (Aljifri, 2007).

1- Insiders

2- Outside shareholders

3- Minority shareholders

در ادبیات نظری، مدیریت سود به عنوان فرآیندی که از سوی مدیریت شرکت به قصد دستیابی به اهداف یا منافع خاص انجام می‌شود معرفی شده است (Babajani & Tahri, 2013). در پژوهش‌های پیشین به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و سلب منابع شرکت توسط سهامداران داخلی پرداخته‌اند؛ این مطالعات به شواهدی مبنی بر وجود رابطه بین سلب منابع و معاملات با اشخاص وابسته دست یافته‌اند (Djankov et al., 2008 & López de Silanes et al., 2000). نتایج این مطالعات حاکی از آن است که مدیران می‌توانند سودهای گزارش شده خود را از طریق ساماندهی معاملات با اشخاص وابسته مدیریت کنند (Healy & Wahlen, 1999). سایر مطالعات نیز شواهدی پیدا کرده‌اند که نشان می‌دهد معاملات با اشخاص وابسته می‌توانند نماینده معاملات سنتی بوده و لزوماً برای مدیریت سود و یا برای سلب منابع شرکت‌ها انجام نمی‌شوند، بلکه نقش معاملات تجاری قانونی را ایفا می‌کنند.

شواهد ضدونقیضی در ارتباط با معامله با اشخاص وابسته وجود دارد. منفعی که در این گونه معاملات می‌تواند متذکر شد شامل، پایین بودن هزینه معاملات و بالا بودن ارزش شرکت (Jian & Wong, 2010., Chen et al., 2011, Khanna & Palepu, 2000)، کوتاه‌سازی فرآیند مذاکرات بین طرفین (Jian & Wong, 2010) و تجدیدنظر و آرایش مجدد و بهینه‌تر فعالیت‌های شرکت (Cheung et al., 2009) خواهد بود. از سویی، برخی این دسته معاملات را فزاینده دانسته و آن را سبب اقداماتی همچون کنترل نامناسب توسط سهامداران نهادی یا فعالیت‌هایی همچون مدیریت سود می‌دانند (Johnson et al., 2000., Gordon & Henry, 2005., Cheung et al., 2009). مدیریت سود ممکن است کارا یا فرصت طلبانه باشد. از طریق مدیریت سود، مدیر می‌تواند اطلاعات محرمانه را به بازار سرمایه منتقل کند و تأثیر مثبتی بر بازار بگذارد؛ ولی از دیدگاه فرصت طلبانه، مدیر با استفاده از هزینه طرف‌های دیگر قرارداد به کسب منافع می‌پردازد. بنابراین معامله با اشخاص وابسته تحت تأثیر نوع مدیریت سود قرار می‌گیرد. گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی‌های شرکت را به نفع اشخاص وابسته از تملک شرکت خارج کند و در حالت مقابل، هدف از انجام این گونه معاملات دسترسی به تجربه، تخصص و مهارت منحصر به فرد شخص وابسته یا به جهت جبران خدمات وی است. بنابراین این پژوهش پس از کنکاش رابطه مدیریت سود و معاملات با اشخاص وابسته، به دنبال بررسی این موضوع است که انجام معاملات با اشخاص وابسته در گروه شرکت‌های دارای رفتار

مدیریت سود فرصت طلبانه یا کارا چگونه است. بنابراین سؤال اصلی که باید به صورت تجربی مورد بررسی قرار گیرد این است که آیا معاملات با اشخاص وابسته رابطه نظام‌مندی با مدیریت سود از نوع فرصت طلبانه یا کارا دارد یا خیر. در پاسخ به این مسئله، پژوهش حاضر به بررسی این مطلب می‌پردازد که آیا معاملات با اشخاص وابسته رابطه‌ای با رفتار مدیریت سود که هدف آن پنهان کردن اختلاس ثروت توسط مدیران و سهامداران عمده باشد، دارد یا خیر.

در ادامه، ساختار مقاله به این ترتیب خواهد بود؛ ابتدا مبانی نظری پژوهش شامل معاملات با اشخاص وابسته، مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه و نظریه‌های مربوط ارائه شده است. سپس، به پیشینه تجربی و طرح فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. در ادامه به روش‌شناسی پژوهش شامل متغیرها و مدل‌های تحقیق اشاره خواهد شد. بخش پایانی نیز پس از بیان نتایج پژوهش، به نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص یافته است.

۲- مبانی نظری، پیشینه پژوهش و بسط فرضیه‌ها

۲-۱- مبانی نظری

۲-۱-۱- معاملات با اشخاص وابسته

بر اساس استاندارد شماره ۱۲ حسابداری ایران، معامله با شخص وابسته به صورت انتقال منابع، خدمات یا تعهدات بین اشخاص وابسته صرف نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن تعریف شده است (Audit Organization, Technical Committee, 2015). این گونه معاملات پیچیده هستند و اغلب بین شرکت و مدیران، هیئت‌مدیره، مالکان نهادی و از این قبیل صورت می‌پذیرد و جای نگرانی دارد؛ چراکه معامله با این افراد معمولاً خارج از عرف بازار و نهادهای نظارتی انجام می‌شود. در رسوایی‌های مالی اخیر در اروپا و آسیا، استفاده هدفمند از معاملات با اشخاص وابسته و عدم افشا یا کافی نبودن افشای این گونه معاملات، از عوامل سقوط شرکت‌ها برشمرده می‌شود. تصاحب منابع شرکت از طریق معاملات با اشخاص وابسته، در کشورهای توسعه یافته مرسوم است؛ لیکن در اقتصادهای نوظهور به دلایلی از جمله نقص بازارهای خارجی و ضعف راهبری شرکتی بیشتر مشاهده می‌شود (Sarлак & Akbari, 2013). از طرفی، معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند به طور منطقی سایر نیازهای اقتصادی شرکت را برطرف کرده یا اینکه مکانیزمی برای ایجاد پیوستگی بین اشخاص وابسته و شرکت باشد. در این صورت خواهد بود که نیازی به

مدیریت سود یا هموارسازی معاملات با اشخاص وابسته احساس نخواهد شد؛ چراکه در تقابل با نظریه نمایندگی، در اینجا این معاملات برای پنهان کردن اختلاس منابع شرکت انجام نشده‌اند. براساس نظریه نمایندگی، معامله با اشخاص وابسته جنبه‌ای از تضاد منافع است که می‌تواند مسئولیت نمایندگی مدیران نسبت به سهامداران یا عملکرد نظارتی هیئت‌مدیره را به خطر بیندازد. معاملات با اشخاص وابسته معاملاتی در داخل شرکت هستند که «افراد داخلی» در آن شرکت دارند؛ این‌گونه معاملات ممکن است فرصت‌هایی را برای اختلاس منابع شرکت فراهم آورند. اگر مدیران یا اعضای هیئت‌مدیره یک شرکت در معاملات با اشخاص وابسته شرکت کنند تا منابع شرکت را اختلاس کنند؛ در این صورت آن‌ها انگیزه لازم را دارند تا سود را طوری مدیریت کنند که تأثیرگذاری اختلاس منابع شرکت بر کیفیت سود را پنهان کنند (Gordon & Henry, 2005). برخلاف این، معاملات با اشخاص وابسته ممکن است به‌عنوان بخش طبیعی در معاملات تجاری ایفاء نقش کنند و لزوماً رابطه‌ای با کلاهبرداری‌های حسابداری و مالی نداشته باشند (Gordon et al., 2007).

یافته‌های پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که باید با این فرضیه که معاملات با اشخاص وابسته جنبه‌های از تضاد علایق هستند؛ با احتیاط برخورد کرد. راینگارت و توماس (Ryngaert & Thomas, 2012) بیان می‌کنند که این فرضیه را که معاملات با اشخاص وابسته نشان‌دهنده فرصت‌طلبی یا مشکلات نمایندگی است نباید به همه موارد معامله با اشخاص وابسته تعمیم دهیم؛ چراکه ثابت شده که برخی از معاملات با اشخاص وابسته از فرضیه تضادمنافع کاملاً به دور هستند. براساس نظریه نمایندگی، به دلیل جدایی مالکیت از مدیریت و وجود تضاد منافع بین این دو، معاملات با اشخاص وابسته ممکن است موجب از دست رفتن ثروت سهامداران شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن روی این انتقال ثروت، ممکن است به مدیریت سود اقدام کند. استاندارد‌گذاران اشاره می‌کنند که معاملات با اشخاص وابسته مبین سلب مالکیت احتمالی بالقوه منابع شرکت است (Gordon & Henry, 2005). طبق مطالب ارائه شده، معاملات با اشخاص وابسته از منظر دو نظریه قابل بررسی است که در قسمت‌های بعدی این نوشتار به صورت کامل به هر یک پرداخته شده است:

مدیریت سود کارا یا فرصت طلبانه

مدیریت سود ممکن است کارا یا فرصت طلبانه باشد. از طریق مدیریت سود، مدیر می تواند اطلاعات محرمانه را به بازار سرمایه منتقل کند و تأثیر مثبتی بر بازار بگذارد؛ ولی از دیدگاه فرصت طلبانه، مدیر با استفاده از هزینه طرف های دیگر قرارداد به کسب منافع می پردازد. به عقیده سابرامانیام (Subramanyam, 1996) هنگامی که مدیران از اختیارات خود برای افزایش منافع شخصی یا میل بیشتری اقدام به انتشار اطلاعات محرمانه درباره سودآوری شرکت کنند، مدیریت سود فرصت طلبانه خواهد بود. به عبارت دیگر مدیریت سود فرصت طلبانه سود، تغییر در گزارش های مالی توسط مدیران به منظور گمراهی استفاده کنندگان نسبت به عملکرد اقتصادی برای بیشینه سازی منافع شخصی تعریف می شود. از طرفی، اگر مدیران از اختیارات خود نسبت به انتشار اطلاعات محرمانه در مورد سودآوری شرکت که هنوز منعکس کننده سود مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی است؛ استفاده کنند و این کار موجب افزایش ارزش شرکت شود. مدیریت سود کارا خواهد بود. مدیریت کارای سود به معنای بهبود محتوای اطلاعاتی سود در ارسال اطلاعات محرمانه است. به بیان دیگر مدیریت سود کارا به معنای افزایش کیفیت تهیه اطلاعات برای کمک به استفاده کنندگان به منظور درک بهتر قدرت سودآوری و وضعیت مالی شرکت می باشد (Siregar & Utama, 2008).

ارتباط معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود کارا یا فرصت طلبانه

معاملات با اشخاص در نظریه های موجود دو نگرش نسبت به معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد که هر کدام جنبه های متفاوتی از این گونه معاملات را تبیین می کند. نظریه اول، نگرش رفتار فرصت طلبانه^۱ (نظریه تضاد منافع^۲) می باشد که با نظریه نمایندگی نیز، سازگار است. در این دیدگاه، انجام معاملات با اشخاص وابسته را در جهت کسب منافع شخصی برای مدیران قلمداد کرده که نتیجتاً موجب متضرر شدن شرکت و سهامداران می گردد؛ از طرفی مدیران جهت پوشاندن اثرات سوء این معاملات اقدام به تحریف صورت های مالی می نمایند (Gordon &

1- Opportunistic Behavior

2- Conflict of Interest Theories

(Henry, 2005). معاملات توسط مدیران یا سایر سهامداران به‌طور فرصت‌طلبانه‌ای استفاده می‌شود که می‌تواند نتایج عملیات را گمراه کند یا اثر نامساعدی بر ثروت سهامداران اقلیت بگذارد. نظریه دوم، نگرش رفتار کارا^۱ (فرضیه معاملات کارآمد) می‌باشد که اثربخشی معاملات با اشخاص وابسته در مفهوم هزینه‌های معاملات را دنبال می‌کند. در این دیدگاه معاملات به‌عنوان بخشی از تقاضای واحد تجاری قلمداد شده و آن را تضمین‌کننده کار مدیران در شرکت می‌دانند و نه تنها آن را مضر نمی‌دانند؛ بلکه این‌گونه معاملات را برای سهامداران سودمند نیز برمی‌شمارند (Williamson, 1975). معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند در شرکت‌های گروه به‌عنوان یک راه بهینه‌سازی تخصیص منابع داخلی، کاهش هزینه معاملات و بهبود بازده دارایی‌ها استفاده شود (Khodami Pour, 2012). با توجه به دو دیدگاه فوق گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی‌های شرکت به نفع اشخاص وابسته از تملک شرکت خارج گردد و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن اقدام به مدیریت سود نماید. اما رویکرد دوم حاکی از آن است که برخی اوقات برای دسترسی به تجربه، تخصص و مهارت منحصر به فرد اشخاص وابسته یا جبران خدمات، با آن‌ها معامله صورت می‌گیرد که در این صورت انگیزه‌ای برای مدیریت سود وجود ندارد.

پیشینه پژوهش

مطالعات خارجی

گستره وسیعی از تحقیقات در خصوص معاملات با اشخاص وابسته انجام شده است؛ محققین در این خصوص به نتایج متفاوتی دست یافتند. یافته‌های برخی در راستای تقویت نظریه معاملات با اشخاص وابسته فرصت‌طلبانه می‌باشد که از آن جمله می‌توان به مینگ (Ming, 2003)، کلبک و می‌هو (Kohlbeck & Mayhew, 2004)، کیم و وو (Kim & Woo, 2008)، لی و سانگ (Lei & Song, 2011)، کنگ و همکاران (Kang et al., 2014)، اشاره داشت که در ادامه به خلاصه‌ای از نتایج آنها اشاره می‌گردد. مینگ (Ming, 2003) در پژوهشی به بررسی مدیریت سود

1- Efficient Behavior
2- Efficient Transactions Theories

از طریق معامله با اشخاص وابسته اقدام کرد. وی برای انجام پژوهش از اطلاعات ۱۳۱ شرکت چینی در صنایع مواد خام استفاده کرد. یافته‌های وی حاکی از آن است که شرکت‌ها با استفاده از معاملات متعدد با اشخاص وابسته، اقدام به مدیریت سود می‌کنند. پس از آن، کلبک و می‌هو در سال ۲۰۰۴ (Kohlbeck & Mayhew, 2004) با استفاده از مبانی نظریه نمایندگی به بررسی معاملات با اشخاص وابسته پرداختند. آن‌ها اظهار کردند که بر اساس نظریه نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته نگرانی را افزایش می‌دهد؛ چرا که مدیران با انتقال نامناسب سود و ثروت، قابلیت اتکا به صورتهای مالی را کاهش می‌دهند و موجب کاهش اثر قراردادهای طراحی شده برای کاهش تضاد نمایندگی و درنهایت، خسارت به سهامداران شرکت‌ها می‌شوند. کیم و وو (Kim & Woo, 2008) اثبات کرده‌اند که شرکت‌ها با انجام معاملات با اشخاص وابسته مایل به دستکاری سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری می‌باشند. آن‌ها هم‌چنین یک رابطه منفی بین معاملات با اشخاص وابسته و ضریب واکنش سود را دریافته‌اند که بیانگر ارزیابی نامطلوب بازار از معاملات با اشخاص وابسته می‌باشد. لی و سانگ (Lei & Song, 2011) به بررسی نقش معاملات با اشخاص وابسته در مدیریت سود پرداختند. نتایج حاکی از آن است که شرکت‌ها با استفاده از معاملات با اشخاص وابسته اقدام به انتقال ثروت به مالکان اصلی می‌کنند؛ افزون بر این، نتایج نشان داد که ارزش بازار این شرکت‌ها به صورت چشم‌گیری پایین است. کنگ و همکاران (Kang et al., 2014) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که آیا معاملات با اشخاص وابسته به‌عنوان سازوکاری در جهت سو استفاده از امکانات شرکت استفاده می‌شود یا خیر. نتایج حاکی از آن است که بین اندازه معاملات با اشخاص وابسته و کنترل مالکیت شرکت رابطه مستقیمی وجود دارد. هم‌چنین، هنگامی که حق‌رای‌ها افزایش می‌یابد؛ معاملات با اشخاص وابسته نیز افزایش یافته و هنگامی که جریان وجه نقد افزایش یابد؛ معاملات با اشخاص وابسته کاهش می‌یابد. در مجموع شواهد نشان می‌دهند که معاملات با اشخاص وابسته در مواقعی که مشکل نمایندگی جدی است؛ رخ داده و در واقع عاملی برای جهت سو استفاده از امکانات شرکت بوده و ارزش شرکت را از بین می‌برند.

برخی محققین در حمایت از نظریه معاملات با اشخاص وابسته کارا برآمده‌اند که برای نمونه می‌توان به کوآن و همکاران (Kuan et al, 2010) و حلالی (El-Helaly, 2016) اشاره کرد. در ادامه به ذکر خلاصه‌ای از نتایج پژوهش ایشان بسنده می‌شود. کوآن و همکاران (Kuan et al,

2010) در پژوهشی، ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که شواهد آماری معناداری درباره رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود وجود ندارد. حلالی (El-Helaly, 2016) به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و معاملات اشخاص وابسته در بورس اوراق بهادار آتن می‌پردازد. افزون بر این وی به بررسی ارتباط بین مدیریت سود و راهبری شرکتی نیز پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشانگر رابطه‌ای منفی و معنادار بین مدیریت سود و معامله با اشخاص وابسته است. همچنین نتایج نشان می‌دهد شرکت‌هایی که توسط مؤسسات حسابرسی بزرگ، حسابرسی شده‌اند؛ دچار مدیریت سود کمتری می‌باشند. افزون بر این، مطالعه به بررسی ارتباط بین معامله با اشخاص وابسته و کیفیت حسابداری پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که بین شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته و شرکت‌های فاقد معاملات با اشخاص وابسته، تفاوت معناداری در کیفیت حسابداری وجود ندارد.

در این میان برخی پژوهشگران از جمله گوردن و هنری (Gordon & Henry, 2005) معتقدند که برخی از انواع معاملات با اشخاص وابسته جنبه فرصت‌طلبانه و برخی دیگر جنبه کارا دارد و نمی‌توان تمام معاملات با اشخاص وابسته را کارا یا فرصت‌طلبانه نامید. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که ارقام تعهدی اختیاری به‌عنوان مقیاس اندازه‌گیری مدیریت سود رابطه مثبتی با برخی از انواع معاملات از جمله تأمین مالی با نرخ ثابت از اشخاص وابسته دارد. آن‌ها در مجموع نتیجه گرفتند که نگرانی در مورد معاملات با اشخاص وابسته، فقط در خصوص برخی از انواع معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد.

مطالعات داخلی

در حوزه تحقیقات داخلی، مطالعات متعددی در خصوص معاملات با اشخاص وابسته صورت گرفته است. در این میان، پژوهشگرانی هم‌چون شعری و حمیدی (Sheri & Hamidi, 2012)، سرلک و اکبری (Sarлак & Akbari, 2013)، دارابی و داودخانی (Darabi & Davodkhani, 2015)، واعظ و همکاران (Vaez et al., 2017)، لطفعلی‌پور و همکاران (Lotfalipour et al., 2017) و کامیابی و همکاران (Kamyabi et al., 2017) به حمایت از نظریه فرصت‌طلبانه بودن معاملات با اشخاص وابسته برآمدند. شعری و حمیدی (Sheri & Hamidi, 2012) در پژوهشی به

شناسایی انگیزه‌های معاملات با اشخاص وابسته پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین معاملات با اشخاص وابسته و متغیرهای سطح تمرکز مالکیت، نسبت مدیران غیرموظف و اهرم مالی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های آنها وجود رفتار فرصت طلبانه در معاملات با اشخاص وابسته را رد نمی‌کند و گواه نشانه‌هایی از فرصت طلبانه بودن این گونه معاملات در محیط کسب و کار ایران است. در ادامه، سرلک و اکبری (Sarlak & Akbari, 2013) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. دارابی و داودخانی (Darabi & Davodkhani, 2015) در پژوهشی به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحقیق بیان می‌دارد که بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت رابطه معنادار و منفی وجود دارد. واعظ و همکاران (Vaez et al., 2017) در پژوهشی با هدف بررسی تأثیر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری به این نتیجه دست یافتند که بین معاملات با اشخاص وابسته و کارایی سرمایه‌گذاری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. لطفعلی‌پور و همکاران (Lotfalipour et al., 2017) به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر مربوط بودن سود در تعیین ارزش بازار سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد مربوط بودن سود در تعیین ارزش بازار سهام در شرکت‌هایی که دارای معاملات با اشخاص وابسته از نوع فروش موجودی مواد و کالا هستند، کاهش یافته است. همچنین معاملات با اشخاص وابسته از نوع فروش دارایی ثابت تأثیر مشخصی بر مربوط بودن سود در تعیین ارزش بازار سهام شرکت‌ها ندارد. کامیابی و همکاران (Kamyabi et al., 2017) درصدد بررسی رابطه بین شکاف حق کنترل و حق مالکیت مربوط به سهامدار کنترل کننده نهایی و معاملات با اشخاص وابسته برآمدند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که شکاف بین حق کنترل و حق مالکیت مربوط به سهامدار کنترل کننده نهایی با معاملات با اشخاص وابسته رابطه منفی و معناداری دارد. از دیگر سو، خدابی‌پور و همکاران (Khodami Pour, 2012) و خمایی‌ابدی (Khomami Abadi, 2013) قائل به کارا بودن معاملات با اشخاص وابسته در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند. خدابی‌پور و همکاران (Khodami Pour, 2012) در پژوهشی به بررسی تأثیر الزامات افشای استاندارد حسابداری شماره ۱۲ مصوب سال ۱۳۸۶ بر معاملات با اشخاص وابسته در

خصوصاً فروش کالا و دارایی طی دو دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۸۵ (پیش از الزامات افشا) و ۱۳۸۶-۱۳۸۹ (پس از الزامات افشا) پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که الزامات افشای جدید بر کاهش مدیریت سود از طریق معاملات فروش موجودی کالا به اشخاص وابسته مؤثر بوده است. خمایی‌ابدی (Khomami Abadi, 2013) پژوهشی با هدف گردآوری شواهد در خصوص اثر معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام داده است. وی دریافت که وجود معاملات با اشخاص وابسته اثری منفی بر مدیریت سود دارد.

ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود به تفکیک گروه شرکت‌های دارای رفتار فرصت‌طلبانه و کارای مدیریت سود جهت شناسایی نوع معاملات با اشخاص وابسته، موضوع نسبتاً جدیدی در تحقیقات حسابداری است و مطالعات محدودی در این رابطه، در ایران انجام شده است. هدف اصلی در این پژوهش بررسی این موضوع است که انجام معاملات با اشخاص وابسته در گروه شرکت‌های دارای رفتار مدیریت سود فرصت‌طلبانه و کارا چگونه است و آیا شرکت‌ها از معاملات با اشخاص وابسته به‌عنوان ابزاری جهت مدیریت سود بهره می‌گیرند.

بسط فرضیه‌های پژوهش

گستره تحقیقات انجام شده در حوزه معاملات با اشخاص وابسته نشان داد هنگامی که شرکت‌ها درگیر روابط فرصت‌طلبانه می‌شوند؛ مدیران انگیزه مدیریت سود پیدا می‌کنند تا این گونه رفتارها را سرپوشانی نمایند (Gordon & Henry, 2005). با در نظر گرفتن موارد مذکور و نتایج مطالعات پیشین که گروهی به آثار مثبت و گروهی به آثار منفی مدیریت سود و معاملات با اشخاص وابسته اشاره کرده‌اند؛ فرضیه اول پژوهش به شکل زیر تبیین می‌گردد:

فرضیه اول: بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود، رابطه معناداری وجود دارد.

بر اساس پژوهش گوردن و هنری (Gordon & Henry, 2005) در صورتی که ارتباط مثبت و معناداری میان معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود وجود داشته باشد؛ معاملات با اشخاص وابسته از نوع فرصت‌طلبانه خواهد بود. در این پژوهش ابتدا، شرکت‌ها بر اساس مدیریت سود به کارا و فرصت‌طلبانه تقسیم‌بندی شده‌اند. بنابراین در صورتی که ارتباط مثبت و معناداری میان معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود فرصت‌طلبانه وجود داشته باشد؛ می‌توان نتیجه گرفت،

معاملات با اشخاص وابسته از نوع فرصت طلبانه بوده است. اما در صورتی که این ارتباط از نوع منفی و معنادار باشد؛ معاملات با اشخاص وابسته در این گروه شرکت‌ها، از نوع کارا خواهد بود و در صورت عدم تأیید موارد فوق، فرضیه رد خواهد شد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش به شکل زیر تبیین می‌گردد:

فرضیه دوم: بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود فرصت طلبانه، رابطه معناداری وجود دارد.

مطابق با توضیحات فرضیه دوم، در صورتی که ارتباط مثبت و معناداری میان معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود کارا وجود داشته باشد؛ می‌توان نتیجه گرفت، معاملات با اشخاص وابسته از نوع کارا بوده است. اما در صورتی که این ارتباط از نوع منفی و معنادار باشد؛ معاملات با اشخاص وابسته، از نوع فرصت طلبانه خواهد بود و در صورت عدم تأیید موارد فوق، فرضیه رد خواهد شد. فرضیه سوم پژوهش به شکل زیر تبیین می‌گردد:

فرضیه سوم: بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود کارا، رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از گزارش‌های مالی سالیانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۴ جمع‌آوری شده است. نسخه الکترونیکی گزارش‌های مالی سالیانه شرکت‌های بورسی در تارنمای مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار در دسترس می‌باشد. از جامعه آماری پژوهش، به روش حذفی (غربال‌گری) نمونه‌هایی انتخاب شدند که از شرایط زیر برخوردار بودند:

۱. طی دوره پژوهش در بورس اوراق بهادار موجود باشند و تغییر سال مالی نداده باشند؛
 ۲. جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر واسطه‌گری‌های مالی نباشند؛ زیرا عمده فعالیت‌های این شرکت‌ها دارای ماهیت متفاوتی است؛
 ۳. متغیرهای مورد نیاز جهت انجام این پژوهش به‌ویژه میزان معاملات با اشخاص وابسته در یادداشت‌های توضیحی پیوست صورتهای مالی افشا شده باشد.
- باتوجه به محدودیت‌های بیان شده ۱۶۴ شرکت برای نمونه انتخاب شد. با در نظر گرفتن دوره

زمانی پژوهش، در مجموع ۱۴۷۶ مشاهده (سال-شرکت) برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

مدل و متغیرهای پژوهش

ابتدا با توجه به مدل شناسایی رفتار مدیریت سود، شرکت‌های پژوهش به دو دسته دارای رفتار فرصت طلبانه یا کارای مدیریت سود تقسیم‌بندی می‌شود. مدل مزبور که برای هر کدام از شرکت‌ها به تفکیک برازش شده است؛ به شرح زیر است (Siregar & Utama, 2008):

$$\text{Profit}_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 \text{DA}_{i,t} + \beta_2 \text{NDA}_{i,t} + \beta_3 \text{CFO}_{i,t} + \beta_4 \text{Size}_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (1)$$

چنانچه ضریب ارقام تعهدی اختیاری (β_1) در مدل مثبت باشد، مدیریت سود کارا است؛ در غیر این صورت مدیریت سود فرصت طلبانه خواهد بود (Siregar & Utama, 2008., Li et al., 2011., Kordestani & Tatli, 2014). همان‌طور که در جدول ۱ آماره‌های توصیفی پژوهش نیز مشخص شده است؛ از ۱۶۴ شرکت نمونه پژوهش، ۸۸ شرکت دارای رفتار فرصت طلبانه مدیریت سود و ۷۵ شرکت دارای رفتار کارای مدیریت سود بوده‌اند. متغیرهای مورد استفاده در مدل شماره ۱ به شرح زیر قابل اندازه‌گیری هستند:

سودآوری آتی (Profit): از طریق محاسبه جریان نقد عملیاتی آتی به صورت حاصل تقسیم جریان وجه نقد عملیاتی $t+1$ بر مجموع دارایی‌های سال جاری به دست آمده است (Siregar & Utama, 2008., Li et al., 2011., Kordestani & Tatli, 2014).

ارقام تعهدی اختیاری (DA) و ارقام تعهدی غیراختیاری (NDA): در این پژوهش برای تفکیک ارقام تعهدی اختیاری و غیراختیاری از مدل تعدیل شده جونز به شرح زیر استفاده شده است.

$$\text{ACCR}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 (1/A_{i,t-1}) + \beta_2 (\text{REV}_{i,t} - \text{REC}_{i,t}) + \beta_3 \text{PPE}_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (2)$$

در مدل مذکور، ارقام تعهدی کل به روش سودوزیانی و از طریق تفاوت سود خالص و جریان نقد عملیاتی به دست آمده است. به ترتیب، تغییرات فروش، تغییرات حساب دریافتی، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به‌عنوان سایر متغیرها تعریف گردیده‌اند (این متغیرها ارقام تعهدی غیراختیاری را تشکیل می‌دهند). برای بدست آوردن متغیر مدیریت سود، از ارقام تعهدی اختیاری یا همان خطای مدل استفاده می‌شود که از حاصل برازش مدل رگرسیونی فوق نتیجه خواهد شد،

به دست آمده است^۱.

جریان نقد عملیاتی (CFO): حاصل تقسیم جریان‌های نقدی عملیاتی بر مجموع دارایی‌های سال جاری.

اندازه شرکت (Size): حاصل لگاریتم جمع درآمد فروش ابتدای دوره شرکت. سپس، فرضیه‌های پژوهش با برآورد مدل زیر به تفکیک برای کل شرکت‌ها (فرضیه اول)، شرکت‌های دارای رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت سود (فرضیه دوم) و شرکت‌های دارای رفتار کارای مدیریت سود (فرضیه سوم) آزمون شده است (Gordon & Henry, 2005):

$$DA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 RPT_{i,t} + \beta_2 CFO_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (3)$$

متغیرهای مورد استفاده در مدل شماره ۳ به شرح زیر می‌باشد:

اقدام تعهدی اختیاری (DA): با استفاده از مدل شماره ۲ و به شرح پیش گفته اندازه‌گیری می‌شود.

معامله با اشخاص وابسته (RPT): ماده ۱۲۹ اصلاحیه قانون تجارت در مورد شرکت‌های سهامی مقرر می‌دارد که هیئت‌مدیره شرکت، گزارشی در خصوص معاملات با برخی اشخاص وابسته به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام ارائه کند. اطلاعات لازم طبق ماده ۱۲۹ در یادداشت توضیحی به صورت پیوست صورت‌های مالی افشا می‌شود. بنابراین در این پژوهش از مجموع ارقام مربوط به معاملات با اشخاص وابسته افشا شده در یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی استفاده شده است که جهت یکسان‌سازی داده‌ها به عنوان نسبت معاملات با اشخاص وابسته بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره وارد مدل شده است.

جریان نقد عملیاتی (CFO): حاصل تقسیم جریان‌های نقدی عملیاتی بر مجموع دارایی‌های سال جاری.

اهرم عملیاتی (LEV): عبارت است از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های سال جاری. سودآوری شرکت (ROA): این متغیر از تقسیم سود خالص به مجموع دارایی‌ها محاسبه شده

۱- لازم به ذکر است مدل فوق برای هر سال - صنعت به تفکیک برازش شده است. به این ترتیب ۱۰۸ مدل رگرسیونی را تشکیل داده است (۱۲ صنعت طی ۹ سال). شایان ذکر است، تمام متغیرهای مورد استفاده در مدل بر اساس جمع دارایی‌های ابتدای سال همگن شده‌اند.

است.

اندازه شرکت (Size): حاصل لگاریتم جمع در آمد فروش ابتدای دوره شرکت.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش به تفکیک گروه شرکت‌های دارای رفتار مدیریت سود فرصت‌طلبانه و کارا در جدول ۱ ارائه شده است. با توجه به اختلاف اندک مقادیر میانه و میانگین می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال تبعیت می‌نمایند^۱. قبل از حذف مشاهدات پرت، با استفاده از مجموع دارایی‌ها عمل همگن‌سازی صورت گرفته است که مقدار کم انحراف معیار حاکی از این عمل است.

با توجه به نتایج آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل که در ستون آخر جدول شماره ۱ نشان داده شده است، ملاحظه می‌شود که میانگین متغیرهای ارقام تعهدی اختیاری، معاملات با اشخاص وابسته و اندازه شرکت در دو گروه شرکت‌های دارای رفتار فرصت‌طلبانه و کارای مدیریت سود تفاوت معناداری ندارند؛ لیکن میانگین متغیرهای جریان نقد عملیاتی، اهرم عملیاتی و سودآوری شرکت در این دو گروه، تفاوت معناداری دارند؛ به گونه‌ای که شرکت‌های دارای رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت سود جریان نقد عملیاتی و سودآوری شرکت کمتر و اهرم مالی بیشتری از شرکت‌های دارای رفتار کارای مدیریت سود دارند.

۴-۲- بررسی مانایی و هم‌جمعی متغیرهای پژوهش

برای بررسی ایستایی (مانایی) متغیرهای پژوهش از آزمون لوین، لین و چو^۲ استفاده گردیده است که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت

۱- ذکر این نکته حائز اهمیت است که اکثر متغیرهای حسابداری توزیع نرمال ندارند و معمولاً، چنانچه تعداد مشاهدات بیش از ۳۰ باشد، بنا به قضیه حد مرکزی، می‌توان توزیع را نرمال فرض نمود.

2- Levin, Lin and Chu

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در سطح گروه شرکت‌های دارای رفتار فرصت‌طلبانه و کارای مدیریت

سود

متغیر	رفتار مدیریت سود	تعداد سال-شرکت	میانگین	میان	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	آماره t آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل
اقلام تعهدی اختیاری	فرصت‌طلبانه	۷۹۲	۰/۰۹۱	۰/۰۶۵	۰/۰۸۷	۰/۰۰۱	۰/۵۳۴	۱/۱۱۵
	کارا	۶۷۵	۰/۰۸۶	۰/۰۶۱	۰/۰۸۱	۰/۰۰۱	۰/۴۷۵	
معاملات با اشخاص وابسته	فرصت‌طلبانه	۷۹۲	۰/۶۶۷	۰/۳۲۹	۱/۰۷۵	۰/۰۰۱	۶/۸۱۷	۰/۶۶۸
	کارا	۶۷۵	۵/۱۲۹	۰/۲۷۲	۰/۹۵۸	۰/۰۰۱	۶/۷۹۳	
جریان نقد عملیاتی	فرصت‌طلبانه	۷۹۲	۰/۱۲۴	۰/۱۱۱	۰/۱۴۵	-۰/۴۰۹	۰/۷۸۵	-۵/۳۲۳
	کارا	۶۷۵	۰/۱۶۷	۰/۱۴۲	۰/۱۶۶	-۰/۳۸۴	۰/۸۱۳	
اهرم مالی	فرصت‌طلبانه	۷۹۲	۰/۶۳۸	۰/۶۴۳	۰/۲۵۰	۰/۰۶۶	۲/۳۷۲	۲/۵۲۲
	کارا	۶۷۵	۰/۶۰۶	۰/۶۲۰	۰/۲۳۲	۰/۰۱۳	۱/۹۳۹	
سودآوری شرکت	فرصت‌طلبانه	۷۹۲	۰/۰۹۰	۰/۰۸۵	۰/۱۲۳	-۰/۷۸۸	۰/۵۳۷	-۶/۰۵۷
	کارا	۶۷۵	۰/۱۳۳	۰/۱۱۷	۰/۱۴۲	-۰/۴۵۸	۰/۷۰۵	
اندازه شرکت	فرصت‌طلبانه	۷۹۲	۱۳/۳۹۸	۱۳/۱۲ ۹	۱/۴۴۶	۹/۶۱۵	۱۸/۹۳۶	۰/۶۷۳
	کارا	۶۷۵	۱۳/۳۴۶	۱۳/۲۹ ۸	۱/۴۷۱	۸/۸۹۹	۱۷/۸۲۸	

جدول (۲): نتایج آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو

متغیرهای پژوهش	مقدار آماره آزمون	سطح معناداری	درجه مانایی
اقلام تعهدی اختیاری	-۳۳/۵۵۲	-/۰۰۰	I(0)
معاملات با اشخاص وابسته	-۴۵/۰۲۹	-/۰۰۰	I(0)
جریان نقد عملیاتی	-۲۷/۹۹۷	-/۰۰۰	I(0)
اهرم مالی	-۱۰/۲۸۰	-/۰۰۰	I(0)
سودآوری شرکت	-۱۵/۸۷۸	-/۰۰۰	I(0)
اندازه شرکت	-۳/۰۸۳	-/۰۱۰	I(0)

بر اساس آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو (۲۰۰۲)، چنانچه معناداری آماره آزمون کمتر از سطح خطای مورد نظر (در اینجا ۰/۰۵) باشد، متغیر مورد آزمون ایستا می‌باشد. همان‌طور که در نگاره فوق مشاهده می‌شود، در کلیه متغیرها سطح معناداری در آزمون کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و نشان‌دهنده این است که متغیرها پایا هستند، این بدان معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است و در نتیجه، شرکت‌های

مورد بررسی تغییرات ساختاری نداشته و استفاده از این متغیرها در مدل باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. همچنین با توجه به یکسان بودن درجه مانایی متغیرهای پژوهش، آزمون هم‌جمعی ضرورتی ندارد.

آمار استنباطی

پیش از ارائه نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش، نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیصی جهت تعیین بهترین نحوه برازش مدل شماره ۲ در سطح کل گروه شرکت‌ها در جدول شماره ۳ ارائه گردیده است:

جدول (۳): نتایج آزمون‌های تشخیصی مدل شماره ۱ در سطح کل شرکت‌های نمونه

شرح آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	شرح سطح معناداری آزمون	مقدار سطح معناداری آزمون	نتیجه آزمون
آماره آزمون بروش‌پاگان	۵۱/۹۱۶	سطح معناداری آزمون بروش‌پاگان	۰/۰۰۰	قابلیت ادغام مکان و زمان وجود دارد.
آماره آزمون چاو	۲۲۲/۲۵۸	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰	روش پانلی با اثرات ثابت مناسب است.
آماره آزمون هاسمن	۱۰۳/۲۳۳	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۷	روش پانلی با اثرات تصادفی مناسب نیست.

با توجه به توضیحات جدول فوق، مدل با اثرات ثابت به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش در مدل دوم پژوهش در کل شرکت‌های نمونه برازش می‌شود و نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۴ ارائه گردیده است:

با توجه به آماره فیشر به دست آمده و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد الگوی پژوهش معنادار است. میزان ضریب تعیین برابر با ۰/۲۲۲ است، به عبارتی حدود ۲۲ درصد از تغییرات مربوط به مدیریت سود توسط معاملات با اشخاص وابسته و متغیرهای کنترل معرفی شده تبیین می‌گردد. آماره دورین‌واتسون و قرار گرفتن آن در بازه ۱/۵ الی ۲/۵ نیز حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین خطاهای مدل می‌باشد. همچنین سطح معناداری آزمون فیشر کمباین نشان از عدم وجود ناهمسانی واریانس است.

سطح معناداری متغیر مستقل پژوهش، یعنی معاملات با اشخاص وابسته برابر با ۰/۰۲۵۴ حاکی

از وجود رابطه معنادار میان معامله با اشخاص وابسته و مدیریت سود دارد و علامت ضریب این متغیر (+۰/۰۰۴۴) هم جهت با آماره تی، نشان از اثر مثبت و معنادار معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت دارد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان معاملات با اشخاص وابسته، مدیریت سود نیز افزایش خواهد یافت.

جدول (۴): نتایج آزمون آماری فرضیه اول پژوهش (مدل شماره ۲ در سطح کل شرکت‌های نمونه)

متغیر	ضریب	خطا	آماره تی (t)	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۰۸۴۴	۰/۰۹۵۵	۰/۸۸۳۹	۰/۳۷۶۹
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۰۰۴۴	۰/۰۰۲۰	۲/۲۳۸۰	۰/۰۲۵۴
جریان نقد عملیاتی	-۰/۰۲۶	۰/۰۴۲۷	-۰/۶۲۷	۰/۵۳۰۳
اهرم عملیاتی	۰/۰۳۸۴	۰/۰۲۲۹	۱/۶۷۵۷	۰/۰۹۴
سودآوری شرکت	۰/۰۱۷۲	۰/۰۱۷۴	۰/۹۸۸۷	۰/۳۲۳
اندازه شرکت	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۵۹	-۰/۲۴۶	۰/۸۰۵۴
ضریب تعیین	۰/۲۲۲	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۲۲
آماره آزمون فیشر	۲/۲۱۵	سطح معناداری آزمون فیشر		۰/۰۰۰
آماره آزمون دوربین واتسون		۲/۰۱۵		
آماره آزمون فیشر کمباین	۴۳۷/۳۶	سطح معناداری آزمون فیشر کمباین		۰/۰۰۰

به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش مدل دوم پژوهش در گروه شرکت‌های دارای رفتار مدیریت سود فرصت طلبانه برآزش می‌شود. پیش از ارائه نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش، نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیصی جهت تعیین بهترین نحوه برآزش مدل شماره ۲ در سطح گروه شرکت‌های دارای رفتار فرصت طلبانه مدیریت سود در جدول شماره ۵ ارائه گردیده است:

جدول (۵): نتایج آزمون‌های تشخیصی مدل شماره ۱ در سطح گروه شرکت‌های دارای رفتار فرصت طلبانه مدیریت سود

شرح آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	شرح سطح معناداری آزمون	مقدار سطح معناداری آزمون	نتیجه آزمون
آماره آزمون بروش‌پاگان	۳۸/۱۴۴	سطح معناداری آزمون بروش‌پاگان	۰/۰۰۰	قابلیت ادغام مکان و زمان وجود دارد.
آماره آزمون چاو	۲۱۳/۵۴۳	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰	روش پانلی با اثرات ثابت مناسب است.
آماره آزمون هاسمن	۱۷/۹۷۳	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۳	روش پانلی با اثرات تصادفی مناسب نیست.

باتوجه به توضیحات جدول فوق، مدل با اثرات ثابت به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش در مدل دوم پژوهش در گروه شرکت های دارای مدیریت سود فرصت طلبانه برازش می شود و نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۶ ارائه گردیده است:

جدول (۶): نتایج آزمون آماری فرضیه دوم پژوهش (مدل شماره ۲ در گروه شرکت های دارای مدیریت سود فرصت طلبانه)

متغیر	ضریب	خطا	آماره تی (t)	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۲۱۵۱	۰/۱۳۶۰	۱/۵۸۱۰	۰/۱۱۴۳
معاملات با اشخاص وابسته	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۳۴	-۲/۱۹۸	۰/۰۲۸۳
جریان نقد عملیاتی	-۰/۰۴۶	۰/۰۷۴۴	-۰/۶۲۰	۰/۵۳۵۲
اهرم عملیاتی	۰/۱۱۲۲	۰/۰۴۱۵	۲/۷۰۳۰	۰/۰۰۷
سودآوری شرکت	۰/۱۰۴۹	۰/۰۹۰۰	۱/۱۶۴۶	۰/۲۴۴۶
اندازه شرکت	-۰/۰۱۴	۰/۰۱۰۳	-۱/۴۰۴	۰/۱۶۰۵
ضریب تعیین	۰/۲۵۸	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۱۴۹
آماره آزمون فیشر	۲/۳۶۶	سطح معناداری آزمون فیشر		۰/۰۰۰
آماره آزمون دوربین واتسون		۲/۲۰۲		
آماره آزمون فیشر کمباین	۲۱۳/۶۱	سطح معناداری آزمون فیشر کمباین		۰/۰۲۷۹

آماره فیشر و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) در مدل دوم همانند مدل اول بیانگر معناداری الگوی پژوهش می باشد. همچنین ضریب تعیین با مقدار ۰/۲۵۸ حاکی از تبیین حدود ۲۶ درصد از متغیر وابسته توسط سایر متغیرهاست. همچنین آماره دوربین واتسون با مقدار ۲/۲۰۲ و قرار گرفتن در بازه ۱/۵ الی ۲/۵ نشان از عدم وجود خودهمبستگی در جملات خطای مدل دارد. همچنین سطح معناداری آزمون فیشر کمباین نشان از عدم وجود ناهمسانی واریانس می باشد.

بر اساس معناداری متغیر معاملات با اشخاص وابسته با مقدار ۰/۰۲۸۳ مشخص می شود فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می گردد. به عبارتی بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود فرصت طلبانه ارتباط معناداری مشاهده می گردد. اما جهت رابطه منفی است، یعنی در گروه شرکت های دارای مدیریت سود فرصت طلبانه، افزایش معاملات با اشخاص وابسته سبب کاهش مدیریت سود شده است؛ بنابراین می توان بیان نمود معاملات با اشخاص وابسته کاراست.

به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش مدل دوم پژوهش در گروه شرکت‌های دارای رفتار مدیریت سود کارا برآزش می‌شود. پیش از ارائه نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش، نتایج حاصل از آزمون‌های تشخیصی جهت تعیین بهترین نحوه برآزش مدل شماره ۲ در سطح گروه شرکت‌های دارای رفتار کارای مدیریت سود در جدول شماره ۷ ارائه گردیده است:

جدول (۷): نتایج آزمون‌های تشخیصی مدل شماره ۱ در سطح گروه شرکت‌های دارای رفتار کارای مدیریت سود

شرح آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	شرح سطح معناداری آزمون	مقدار سطح معناداری آزمون	نتیجه آزمون
آماره آزمون بروش‌پاکان	۳۲/۹۵۶	سطح معناداری آزمون بروش‌پاکان	۰/۰۰۰	قابلیت ادغام مکان و زمان وجود دارد.
آماره آزمون چاو	۱۹۸/۶۱۳	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰	روش پانلی با اثرات ثابت مناسب است.
آماره آزمون هاسمن	۰/۰۰۱	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۹۹۹	روش پانلی با اثرات تصادفی مناسب‌تر است.

باتوجه به توضیحات جدول فوق، مدل با اثرات تصادفی به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش در مدل دوم پژوهش در گروه شرکت‌های دارای مدیریت سود فرصت طلبانه برآزش می‌شود و نتایج حاصل از آن در جدول شماره ۸ ارائه گردیده است:

جدول (۸): نتایج آزمون آماری فرضیه سوم پژوهش مدل شماره ۲ در گروه شرکت‌های دارای مدیریت سود کارا

متغیر	ضریب	خطا	آماره تی (t)	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۰۵۷۹	۰/۰۳۱۰	۱/۸۶۶۶	۰/۰۶۲۴
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۰۰۹۴	۰/۰۰۳۰	۳/۰۴۷۷	۰/۰۰۲۴
جریان نقد عملیاتی	۰/۰۷۸۹	۰/۰۲۲۲	۳/۵۵۶۷	۰/۰۰۰۴
اهرم عملیاتی	۰/۰۳۶۶	۰/۰۱۶۸	۲/۱۶۸۵	۰/۰۳۰۵
سودآوری شرکت	۰/۰۱۹۵	۰/۰۳۱۸	۰/۶۱۴۴	۰/۵۳۹۱
اندازه شرکت	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۲۱	-۰/۵۴۰	۰/۵۸۹
ضریب تعیین	۰/۰۳۸		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۰۳۰
آماره آزمون فیشر	۵/۲۲۸		سطح معناداری آزمون فیشر	۰/۰۰۰
آماره آزمون دوربین واتسون			۱/۵۱۷	
آماره آزمون فیشر کمباین	۲۲۴/۹۵		سطح معناداری آزمون فیشر کمباین	۰/۰۰۰۱

باتوجه به آماره فیش و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) می‌توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد الگوی پژوهش معنادار است. میزان ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۰۳۸ است، به عبارتی حدود ۴ درصد از تغییرات مربوط به مدیریت سود توسط معاملات با اشخاص وابسته و متغیرهای کنترل معرفی شده تبیین می‌گردد^۱. آماره دورین‌واتسون و قرار گرفتن آن در بازه ۱/۵ الی ۲/۵ نیز حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین خطاهای مدل می‌باشد. همچنین سطح معناداری آزمون فیشر کمباین نشان از عدم وجود ناهمسانی واریانس می‌باشد.

سطح معناداری متغیر مستقل پژوهش، یعنی معاملات با اشخاص وابسته برابر با ۰/۰۰۲۴ حاکی از وجود رابطه معنادار میان معامله با اشخاص وابسته و مدیریت سود کارا دارد و علامت ضریب این متغیر (+۰/۰۰۹۴) هم‌جهت با آماره تی، نشان از اثر مثبت و معنادار معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود کارا دارد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان معاملات با اشخاص وابسته در گروه شرکت‌های دارای رفتار مدیریت سود کارا، مدیریت سود نیز افزایش خواهد یافت؛ بنابراین معاملات با اشخاص وابسته از نوع کاراست.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش کشف ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود در گروه شرکت‌های دارای رفتار فرصت‌طلبانه و کارا نهاده شد تا از این طریق به شکل‌گیری انگیزه‌های مدیریتی جهت اقدام به انجام معاملات با اشخاص وابسته برای نیل به اهدافی خاص پی برد. اگرچه رابطه مدیریت سود و معاملات با اشخاص وابسته در برخی از تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته است اما تأثیر معاملات با اشخاص وابسته در گروه شرکت‌های دارای رفتار مدیریت سود کارا یا فرصت‌طلبانه مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین در این پژوهش با استفاده از اطلاعات مالی شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران، مشاهده شد که بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان معاملات با

۱- در بسیاری از مطالعات و تحقیقات لاتین نیز مشاهده شده است که ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل‌شده پایین است اما آزمون فرضیات و نتیجه‌گیری انجام شده است؛ برای نمونه: لو و همکاران (۲۰۱۰) اوتاما و شاه (۲۰۱۵) و حبیب و همکاران (۲۰۱۷).

اشخاص وابسته، مدیریت سود نیز افزایش خواهد یافت. نتایج این فرضیه همسو با یافته‌های پژوهش جانسون و همکاران (Johnson et al., 2000)، کلبک و می‌هو (Kohlbeck & Mayhew, 2004)، گوردون و هنری (Gordon & Henry, 2005)، چیونگ و همکاران (Cheung et al., 2009) وانگ و یوان (Wang & Yuan, 2012)، کنگ و همکاران (Kang et al., 2014)، خدای پور و همکاران (Khodami Pour, 2012)، سرلک و اکبری (Sarlak & Akbari, 2013)، و در تقابل با نتایج پژوهش کوآن و همکاران (Kuan et al., 2010) و خدای پور و همکاران (Khomami Abadi, 2013) می‌باشد.

فرضیه دوم پژوهش به بررسی رابطه معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود فرصت طلبانه می‌پردازد. همان گونه که در بخش یافته‌های پژوهش ذکر شد، نتایج حاکی از رابطه منفی و معنادار می‌باشد. به عبارتی در شرکت‌های دارای رفتار مدیریت سود فرصت طلبانه، با افزایش میزان معاملات با اشخاص وابسته، مدیریت سود کمتری را خواهیم داشت. بنابراین این نتایج این فرضیه بر تقویت نظریه معاملات با اشخاص وابسته کارا استوار است. به گونه‌ای مشابه، فرضیه سوم پژوهش نیز از نظریه معاملات با اشخاص وابسته کارا حمایت می‌کند. چراکه نتایج حاکی از رابطه مثبت و معنادار معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود در شرکت‌های دارای رفتار مدیریت سود کارا می‌باشد. به عبارتی در این شرکت‌ها، با افزایش میزان معاملات با اشخاص وابسته، مدیریت سود بیشتری را شاهد خواهیم بود. برآیند آزمون فرضیه دوم و سوم مطابق با یافته‌های کوآن و همکاران (Kuan et al., 2010)، حلالی (El-Helaly, 2016)، خدای پور و همکاران (Khodami Pour, 2012) و خدای پور و همکاران (Khomami Abadi, 2013) و متضاد با پژوهش‌های مینگ (Ming, 2003)، کلبک و می‌هو (Kohlbeck & Mayhew, 2004)، گوردون و هنری (Gordon & Henry, 2005)، کیم و وو (Kim & Woo, 2008)، لی و سانگ (Li & Sung, 2011)، کنگ و همکاران (Kang et al., 2014)، شعری و حمیدی (Sheri & Hamidi, 2012)، سرلک و اکبری (Sarlak & Akbari, 2013)، دارابی و داودخانی (Darabi & Davodkhani, 2015)، واعظ و همکاران (Vaez et al., 2017)، لطفعلی پور و همکاران (Lotfalipour et al., 2017) و کامیابی و همکاران (Kamyabi et al., 2017) می‌باشد.

توجه به این نکته ضروری است که علی‌رغم تصویب دستورالعمل الزامات افشای اطلاعات و تصویب معاملات اشخاص وابسته ناشران بورسی و فرابورسی و تأکید بر افشای اینگونه معاملات به

تفکیک هر گروه معامله به پیوست صورت‌های مالی سالانه و میان‌دوره‌ای، شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران نسبت به افشای اینگونه معاملات کوتاهی کرده است؛ بنابراین جمع‌آوری اقلام مربوط به معاملات با اشخاص وابسته از صورت‌های مالی با مشکلاتی از جمله عدم افشای اینگونه معاملات در برخی از شرکت‌ها، افشای ناقص در شرکت‌ها به گونه‌ای که یا دستورالعمل کاملاً رعایت نشده و یا تفکیک معاملات به نحو مناسبی صورت پذیرفته؛ همراه بود. ناخوانا بودن اقلام مربوط به معاملات با اشخاص وابسته از دیگر مشکلات مرتبط با جمع‌آوری اطلاعات مربوط به معاملات با اشخاص وابسته به شمار می‌رود.

پیشنهاد‌های مرتبط با فرضیه‌های پژوهش (پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش)

در طی انجام پژوهش با توجه به مرور ادبیات پژوهش، بررسی منابع اطلاعاتی در ارتباط با موضوع، نتایج حاصله و دستاوردهای پژوهش حاضر، پیشنهادهایی به شرح ذیل به مدیران شرکت‌ها، سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سرمایه‌گذاران ارائه گردیده است:

۱. افشای ضعیف معاملات با اشخاص وابسته نشان از وجود کاستی در انطباق با الزامات استاندارد حسابداری شماره ۱۲ ایران و عدم توجه به ماهیت روابط با اشخاص وابسته دارد. در صورتی که وجود اشخاص وابسته حتی اگر هیچ معامله‌ای با آنها انجام نگیرد بر عملیات شرکت اثر می‌گذارد. لذا نظارت بر اجرای کافی و مطابق با الزامات استاندارد حسابداری شماره ۱۲ ایران توسط نهادهای مسئول مورد انتظار است. با توجه به نتایج آزمون فرضیه اول که نشان از نقش مؤثر معاملات با اشخاص وابسته در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد، انتظار بر این است که نهادها و ارکان ناظر از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار و حساب‌برسان مستقل توجه ویژه‌ای به معاملات با اشخاص وابسته داشته باشند و چنین معاملاتی را با دقت نظر بیشتری رصد نمایند.
۲. با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های دوم و سوم مبنی بر اینکه شرکت‌های دارای رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت سود، کمتر از معاملات با اشخاص وابسته بهره می‌جویند و شرکت‌های دارای رفتار کارای مدیریت سود، بیشتر از معاملات با اشخاص وابسته استفاده می‌کنند؛ به سهامداران و استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی در استفاده از صورت‌های مالی و تحلیل اطلاعات برای تصمیمات سرمایه‌گذاری توصیه می‌شود تا توجه بیشتری را به اطلاعات

معاملات با اشخاص وابسته معطوف داشته تا به وجود چنین معاملاتی در شرکت بیش واکنشی نشان ندهند. همچنین توجه خود را به بررسی ارقام مقایسه‌ای معاملات با اشخاص وابسته گزارش شده در سال‌های قبل معطوف دارند.

۳. مطابق با مفاد استاندارد حسابرسی ۵۵۰ در خصوص معاملات با اشخاص وابسته حسابرس باید به منظور تشخیص، ارزیابی و برخورد مناسب با خطرهای تحریف با اهمیت ناشی از کنترل واحد تجاری در تشخیص یا افشای معاملات با اشخاص وابسته طبق الزامات استاندارد حسابداری باید روشهای حسابرسی مرتبط را اجرا کند. از این رو مطابق با نتایج تحقیق حاضر که بیانگر افزایش سطح مدیریت سود با افزایش معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های نمونه آماری تحقیق می‌باشد (فرضیه اول پژوهش)؛ پیشنهاد می‌گردد نهادهای استاندارد‌گذار، تجدید نظر لازم را در استانداردها و روش‌های رسیدگی لازم در فرآیند اعتباردهی به صورت‌های مالی شرکت‌های با شرایط فوق‌الذکر را به عمل آورند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

در پایان پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی و در راستای تکمیل نتایج این پژوهش موضوعات زیر مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد:

۱. در تحقیق‌های آتی می‌توان برای تفکیک شرکت‌های دارای رفتار مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه از رویکردهای دیگر همچون سودخالص غیراختیاری آتی یا تغییرات سودخالص شرکت استفاده شود.
۲. تحقیق حاضر در حالی صورت گرفت که در دسترسی به اطلاعات اجزای مختلف معاملات با اشخاص وابسته ممکن نبود؛ با افزایش دامنه و نحوه افشای معاملات با اشخاص وابسته و همچنین نظارت بیشتر سازمان‌های نظارتی و توجه حسابرس به این موضوع، انتظار می‌رود که امکان تفکیک معاملات با اشخاص وابسته در سال‌های آتی فراهم آید؛ بنابراین توصیه می‌شود اثر اجزای مختلف معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.
۳. در پژوهش‌های آتی می‌توان از مقیاس‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری معاملات با اشخاص وابسته استفاده نمود. مقیاس‌هایی هم‌چون تعداد طرفین درگیر، نوع و مقدار ریالی معاملات با

اشخاص وابسته.

۴. بررسی اینکه آیا معاملات با اشخاص وابسته یک رفتار فرصت طلبانه است و آیا سهام شرکت-هایی که دارای معاملات با اشخاص وابسته بیشتری هستند، نسبت به دیگران کمتر قیمت-گذاری می‌شود؟ در واقع آیا سرمایه گذاران از فرصت طلبانه بودن این معاملات آگاهی دارند؟
۵. معاملات اشخاص وابسته در ماهیت می‌تواند معاملاتی کارا باشد و به تأمین منافع گروه اقلیت بیانجامد؛ از این رو شایسته است محققین به تبیین راهکارها و عواملی پردازند که با مدیریت رفتار فرصت طلبانه مدیران و کاهش انگیزه‌های آنها، بستر لازم در این خصوص را فراهم آورند.
۶. در این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شدند، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده این موضوع در شرکت‌های فرا بورس نیز بررسی گردد.
۷. مدیریت می‌تواند با اتخاذ برخی از تصمیمات عملیاتی و به عبارت دیگر دستکاری فعالیت‌های واقعی اقدام به مدیریت واقعی سود نماید و با توجه به اینکه سطح معاملات با اشخاص وابسته از جمله ابزارهای مدیریت به منظور دستکاری فعالیت‌های واقعی می‌باشد؛ از این رو بررسی رابطه بین مدیریت واقعی سود و سطح معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند موضوعی جذاب برای کارهای پژوهشی آتی باشد.
۸. بررسی این که معاملات با اشخاص وابسته به‌طور معمول در چه بازه‌هایی انجام می‌شود و آیا اعلامیه‌های منتشره در سایت اطلاع‌رسانی سازمان بورس و اوراق بهادار تا چه اندازه واکنش سهامداران به اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی و گزارش بازرش قانونی را تعدیل می‌کند نیز می‌تواند از موضوعات پیشنهادی برای انجام پژوهش توسط پژوهشگران اطلاق گردد.
۹. بررسی تناسب اظهارنظر حسابرسان مستقل صورت‌های مالی در خصوص معاملات شرکت‌ها با اشخاص وابسته، می‌تواند در زمره موضوعات تحقیق آتی باشد.
۱۰. معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به جهت وجود افراد ذی‌نفوذ، می‌تواند منجر به سوء استفاده از منابع شرکت گردد؛ بنابراین به پژوهشگران توصیه می‌گردد به مطالعه نقش ارتباطات سیاسی شرکت در نوع رفتار معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پردازند.

References

- [1] Aljifri, K. (2007). Measurement and Motivations of Earnings Management: A Critical Perspective. *Journal of Accounting, Business & Management*, 14(1), 75-95.
- [2] Audit Organization, Technical Committee. (2015). Principles and rules of accounting and auditing: accounting standards (standards 12), Tehran, Audit Organization Publishers. (in Persian)
- [3] Babajani, J., Tahriri, A. (2013). Market Information about Firms Fundamentals and Earnings Management: Evidence from Companies Listed on the Tehran Stock Exchange (TSE). *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20 (1): 19-34. (in Persian)
- [4] Chen, J. J., Cheng, P., & Xiao, X. (2011). Related party transactions as a source of earnings management. *Applied Financial Economics*, 21(3), 165-181.
- [5] Cheung, Y. L., Qi, Y., Rau, P. R., & Stouraitis, A. (2009). Buy high, sell low: How listed firms price asset transfers in related party transactions. *Journal of Banking & Finance*, 33(5), 914-924.
- [6] Darabi, R., Davodkhani, M. (2015). The impact of related party transactions on the value of the company. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 7(28), 131-152. (in Persian)
- [7] Djankov, S., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., & Shleifer, A. (2008). The law and economics of self-dealing. *Journal of Financial Economics*, 88(3), 430-465.
- [8] El-Helaly, M., & El-Helaly, M. (2016). Related party transactions and accounting quality in Greece. *International Journal of Accounting & Information Management*, 24(4), 375-390.
- [9] Gopalan, R., & Jayaraman, S. (2012). Private control benefits and earnings management: evidence from insider controlled firms. *Journal of Accounting Research*, 50(1), 117-157.
- [10] Gordon, E. A., & Henry, E. (2005). Related party transactions and earnings management. Available at SSRN eLibrary.
- [11] Gordon, E. A., Henry, E., Louwers, T. J., & Reed, B. J. (2007). Auditing related party transactions: A literature overview and research synthesis. *Accounting Horizons*, 21(1), 81-102.
- [12] Habib, A., Muhammadi, A. H., & Jiang, H. (2017). Political connections and related party transactions: Evidence from Indonesia. *The International Journal of Accounting*, 52(1), 45-63.

- [13] Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13(4), 365-383.
- [14] Jian, M., & Wong, T. J. (2010). Propping through related party transactions. *Review of Accounting Studies*, 15(1), 70-105.
- [15] Johnson, S., Porta, R. L., Lopez-de-Silanes, F., & Schleifer, A. (2000). Tunneling. *American Economic Review*, 90(2), 22° 27.
- [16] Kamyabi, Y., Bouzhmehrani, E., Mohammadi, P. (2017). The Study of the Relationship between Related-party Transactions and the Control-ownership Wedge of the Ultimate Controlling Shareholder. *Journal of Financial Management Strategy*, 4(4), 45-65. (in Persian)
- [17] Kang, M., Lee, H. Y., Lee, M. G., & Park, J. C. (2014). The association between related-party transactions and control° ownership wedge: Evidence from Korea. *Pacific-Basin Finance Journal*, 29, 272-296.
- [18] Khanna, T., & Palepu, K. (2000). Is group affiliation profitable in emerging markets? An analysis of diversified Indian business groups. *The Journal of Finance*, 55(2), 867° 891.
- [19] Khodami Pour, A., Amini, M., Houshmand Zaferanieh, R. A. (2012). The effect of the disclosure requirements for related party transactions on earnings management. *Journal of Accounting research*, 2 (6): 65-83. (in Persian)
- [20] Khomami Abadi, M. (2013). The relation between related party transactions and earnings management. Published Master Thesis in Accounting, Azad University. (in Persian)
- [21] Kim, J. H., Woo, Y. S., (2008). The effect of transctions to the related-party on the earnings management and the earnings response coefficient. *Korean Accounting Review*, 33(3), 25-59.
- [22] Kohlbeck, M. J., & Mayhew, B. W. (2004). Agency costs, contracting, and related party transactions. *Contracting, and Related Party Transactions* (December 31, 2004).
- [23] Kordestani, Gh. R., & Tatli, R. (2014). Identification the Efficient and Opportunistic Earnings Management Approaches in the Earnings Quality Levels. *Journal of The Accounting and Auditing Review*, 21(3), 293° 312. (in Persian)
- [24] Kuan, L., Tower, G., Rusmin, R., & Van der Zahn, J. W. M. (2010). related party transactions and earnings management. *Journal Akuntansi & Auditing Indonesia*, 14(2), 93° 115.
- [25] La Porta, R., Lopez-De-Silanes, F., Shleifer, A. and Vishny, R. (1998). law and finance. *Journal of Political Economy*. 106, 1113-1155.
- [26] Lei, A. C., & Song, F. M. (2011). Connected transactions and firm value:

- Evidence from China-affiliated companies. *Pacific-Basin Finance Journal*, 19(5), 470-490.
- [27] Li, F. & Abeysekera, I. & Ma, S. (2011). Earnings Management and the Effect of Earnings Quality in Relation to Stress Level and Bankruptcy Level of Chinese Listed Firms. *Corporate Ownership and Control*, 9 (1): 366-391.
- [28] Lo, A. W., Wong, R. M., & Firth, M. (2010). Can corporate governance deter management from manipulating earnings? Evidence from related-party sales transactions in China. *Journal of Corporate Finance*, 16(2), 225-235.
- [29] López de Silanes, F., Johnson, S., La Porta, R., & Shleifer, A. (2000). Tunneling. *In American Economic Review Papers and Proceedings*, 90(2), 22-27
- [30] Lotfalipour, M. R., Galdipour, S., Arian, O. (2017). The Impact of Related-Party Transactions on the Value Relevance of Earnings in Determining the Stock Market Value of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Quarterly Monetary & Financial Economics*, 12(23), 19-44. (in Persian)
- [31] Ming, J.(2003). Earning management and tunneling through related party transactions: Evidence from Chinese Corporate Group. A Thesis Submitted to the Hong Kong University for the degree of Doctor of Philosophy.
- [32] Ryngaert, M., & Thomas, S. (2012). Not all related party transactions (RPTs) are the same: Ex ante versus ex post RPTs. *Journal of Accounting Research*, 50(3), 845-882.
- [33] Sarlak, N., Akbari, M. (2013). Relationship between related party transactions and earnings management. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20 (4): 77-92. (in Persian)
- [34] Sheri, S., Hamidi, E. (2012). Identifying Motives of Related Party Transactions. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 2 (6): 49-64. (in Persian)
- [35] Siregar, S. V., & Utama, S. (2008). Type of earnings management and the effect of ownership structure, firm size, and corporate-governance practices: Evidence from Indonesia. *The international journal of accounting*, 43(1), 1-27.
- [36] Subramanyam, K. R. (1996). The pricing of discretionary accruals. *Journal of accounting and economics*, 22(1), 249-281.
- [37] Ullah, H., & Shah, A. (2015). Related Party Transactions and Corporate Governance Mechanisms: Evidence from Firms Listed on the Karachi Stock Exchange.
- [38] Vaez, S. A., Anvari, E., Banafi, M. (2017). The effect of ownership structure on the relationship between related party transactions and investment efficiency. *Quarterly Financial Accounting Journal*, 8(31), 101-132. (in Persian)
- [39] Wang, J., & Yuan, H. (2012). The impact of related party sales by listed Chinese firms on earnings informativeness and earnings forecasts.

International Journal of Business, 17(3), 258° 275.

- [40] Williamson, O. E., (1975). *Markets and Hierarchies: Analysis and Antitrust Implications: A Study in the Economics of Internal Organization*. New York, NY, The Free Press.

